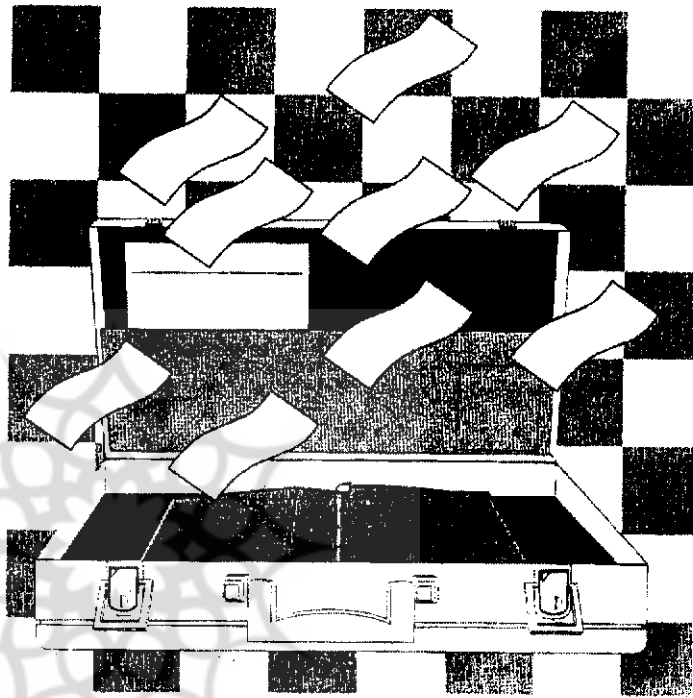


اقتصاد ایران اکنون در چرخه رکود - تورم قرار دارد. کارشناسان اقتصادی و منابع منتشر شده از سوی مراجع بین‌المللی همه بر این باورند که این بحران، بحرانی زودگذر نیست. پژوهشهای اقتصادی آشکار ساخته است که ظرفیت تاریخی اقتصاد ایران حدود ۳۰ هزار دلار درآمد سرانه است، در حالی که دست بالا در سال ۱۳۷۵ از هشت درصد این ظرفیت استفاده شده است و براساس گزارش ویژه مجله اکونومیست جهان در سال ۲۰۰۰ مختصات اقتصادی کشور ما عبارت است از (تولید ناخالص داخلی ۶۸ میلیارد دلار، جمعیت ۶۲/۸ میلیون نفر، درآمد سرانه ۱۰۵۰ دلار، تورم ۲۵ درصد و نرخ رشد اقتصادی ۲ درصد) داراییهای اقتصادی ایران معادل ۲۴۰ میلیارد دلار است اما نرخ رشد سرمایه‌گذاری در کشور منفی است و اقتصاد کشور با کمبود سرمایه روبه‌روست. برآوردهای اقتصادی نشان می‌دهد اقتصاد این کشور به ۵۰ میلیارد دلار پول نیاز دارد که مفهوم آن این است که از ۲۴۰ میلیارد دلار داراییهای کشور، استفاده اقتصادی نمی‌شود. گفتمانی است که این کارانبودن اقتصادی بخش دولتی - عمومی و خصوصی را توأمأ دربر می‌گیرد. از سوی دیگر بیانگر این نکته است که

شاخص بهره‌وری در کل اقتصاد بشدت پایین است. از سویی دیگر تقاضای بالقوه جامعه بالاست اما به دلیل بالا بودن قیمت تمام‌شده محصولات به دلیل ناکاراییهای سرچشمه گرفته ناشی از تناسب نداشتن منابع در اختیار (داراییهای اقتصاد) که حجم آن بسیار است و تولید ناخالص داخلی که میزان آن اندک است، قدرت خرید جامعه توان تامین نیازمندیهای خود را ندارد. گسارانبودن منابع در اختیار (داراییهای اقتصاد) نیز به‌علتهای متعددی بستگی دارد. ترکیب داراییهای اقتصاد متناسب نیست. حجم عمده این داراییها را داراییهای ثابت تشکیل می‌دهد که انعطاف آن در زمینه بهره‌برداری بهینه پایین است. فلسفه وجودی موضوع تبصره ۳۵ قانون بودجه سنوات ۷۸ و ۱۳۷۹ از همین واقعیت سرچشمه می‌گیرد که دولت می‌خواهد با این روش از داراییهای با مدیریت کنونی ناکارای خود بکاهد، و با تبدیل به نقدکردن آنها بر انعطاف منابع خود در جهت استفاده بهینه از داراییها بیفزاید که این استفاده بهینه جز از طریق اجرای استانداردهای حسابداری و حسابرسی عملکرد امکانپذیر نخواهد بود.



از: غلامحسین دوانی

نقش
حسابداری
و
مالیات
در توسعه
اقتصادی کشور



و پرورش، بهداشت عمومی، تامین امنیت و... ایجاد می‌کند که به نوعی درآمدهای خاص غیرنفتی دسترس داشته باشد تا بتواند مسئولیتهای خود را به انجام رساند.

در جهان کنونی مبنای متداول مالیاتی بر سه جزء دارایی، هزینه و مصرف استوار است که در ایران اصل استوار مالیاتی بر اخذ مالیات از درآمد می‌باشد که با توجه به شرایط کشور هیچ‌گاه این امر نتوانسته است به شکل اصولی تحقق پذیرد؛ زیرا در کشورهای جهان سوم مخارج دولتها بسیار گزاف است و سازمان عریض و طویل دولتها هزینه‌های خود را از راه کسر بودجه و استقراض از شبکه بانکی و چاپ اسکناس بدون پشتوانه (و در دوران تعدیل با فروش ارز در بازار آزاد) تامین می‌کنند و چون این روش تامین مالی آسان و ساده و زودرس می‌باشد، دولتها چندان به مالیات توجه ندارند، در نتیجه بار مالی ناشی از این تصمیمات که همانا ایجاد تورم و بار مالی ناشی از کاهش قدرت خرید بوده بر دوش مردم یا مصرفکنندگان نهایی تحمیل شده است. دلیل روی نسیاوردن دولتها در این‌گونه جوامع به مالیاتهای مستقیم (شامل مالیات بر دارایی، ثروت و درآمد) عبارت است از:

- تعلق دارایی، ثروت و بخش عظیمی از درآمد جامعه به اقلیت خاصی که همان دولت‌مردان یا وابستگان به آنها می‌باشند و این اقلیت خود را ذاتاً معاف از مالیات می‌دانند؛
- ضعف دستگاه وصول مالیات که با قدرت و توانایی لازم جهت گرفتن این‌گونه مالیاتها را ندارد یا به او نمی‌دهند.

در ایران مالیات رسمی حدود ۳۰ الی ۳۵ درصد درآمد دولت را تشکیل می‌دهد که بخش عمده آن را مالیاتهای غیرمستقیم مانند سود و عوارض و حقوق گمرکی، مالیات بر مصرف و فروش تشکیل می‌دهد و مالیاتهای مستقیم نقش مسلط را در درآمدهای مالیاتی ایفا نمی‌کند. در واقع هرگاه دستگاه وصول بخواهد به‌طور جدی با کسانی که خود را ذاتاً معاف می‌دانند برخورد کند با جنجال و پایین کشیدن گرکره مغازه‌ها یعنی اعتصاب مالیاتی مواجه شده است. جالب آنکه کل مالیات وصولی از حقوق بگیران طی سنوات ۷۷-۱۳۷۵ معادل ۲۹۰۰ میلیارد ریال و مالیات مشاغل طی همین دوره ۴۵۹۴ میلیارد ریال بوده است یعنی حقوق بگیران کشور با کمالات ناسف و تعجب، مالیاتی بیش از کل مشاغل کشور به خزانه دولت واریز نموده‌اند. جدول شماره (۱)

اجتماعی همچون تاروپود یک رشته به یکدیگر وابسته می‌باشند و هرگونه تغییر در آنها در روند حرکت عمومی جامعه کارساز خواهد بود. مالیات به‌مثابه همزاد دولت تلقی می‌شود. از نخستین ادوار صورت‌بندی دولت تاکنون باج و خراج، عوارض و مالیات به‌عنوان خزانه دولتها به‌شمار می‌رفته است. در دو قرن اخیر و به‌طور مشخص در نیمه دوم قرن بیستم نقش مالیات در کلیه شئون زندگی اجتماعی جوامع تعیین‌کننده بوده است. روند توسعه کشورها نمایانگر این نکته است که هرچه گستره عامل بودن دولتها در موسسات اقتصادی و نهادهای صنعتی کشور به‌وسیله مالیات افزایش یافته، به‌طوری که نرخ متوسط مالیات در کشوری مانند ایالات متحده آمریکا رقمی حدود ۴۰ درصد است.

قوانین مالیاتی در دوران معاصر و عصر خردگرایی نه به‌عنوان باج و خراج و هزینه دربار شاهان بلکه به‌مثابه ابزاری در جهت رشد اقتصادی به‌شمار می‌رود زیرا مالیات نه تنها متضمن ایجاد درآمد دولتها بلکه باید در راستای سیاستهای مالی و پولی کشور وصول و هزینه شود که از مهم‌ترین هدفهای وصول مالیات اجرایی اصل تعدیل ثروت و عدالت اجتماعی است.

از آنجا که در کشور ما همیشه روابط دولتها و ملت بر پایه عقل و اختیار استوار نبوده و جنبه باج و خراج مالیات بر سایر جنبه‌های آن حاکم بوده است فرهنگ مشارکت عمومی در هزینه‌های اجتماعی از طریق پرداخت مالیات بسیار ضعیف بوده است و فاصله گسترده دولت از ملت موجب شده که عملاً پرداخت نکردن مالیات نوعی امتیاز اجتماعی تلقی می‌شود. هم‌زمان با رشد سرمایه در کشور، در دوران صفویه و قاجاریه و سپس کشف نفت از آنجا که رانت ارزی نفت بی‌دودس‌ترین درآمد محسوب می‌شده، نقش مالیات در اقتصاد ملی تا پیش از سالهای ۱۳۵۸ ناچیز بوده است. از سالهای ۱۳۵۹ به‌بعد که موضوع مالیات به‌علت کاهش قیمت نفت و تحریم‌های اقتصادی برجسته شد، نیز، عده‌ای یا توسل به اعتقادات مذهبی مردم و تقابل خمس و زکات با مالیات عملاً وصول مالیات را نوعی بدعت در حکومت اسلامی می‌دانستند تا آنجا که سرانجام پس از جریب‌بختی طولانی فقهی سرانجام دولت توانست مالیات را به‌عنوان درآمد حقه اجتماعی بقبولاند زیرا وظایف سنگین دولت مانند آموزش

علل دیگر کارانبودن‌های گفته شده کمبود یا ترکیب نامتناسب زیربنای اقتصادی و نارساییها و شفاف نبودن مقررات و سیاستها و برنامه‌های دولت و پایین بودن بهره‌وری نیروی انسانی است.

متأسفانه ساختار اقتصادی کلان یادشده بر اقتصاد بنگاه اعم از اینکه در بخش عمومی یا خصوصی باشد نیز به‌طور عام حاکم است. نزدیک به یک دهه پیش به‌ویژه از آغاز کاهش ارزش پول ملی در برابر ارز جریانی از رشد سرمایه‌گذاری در اقتصاد بنگاه را پدید آورد. مابه‌التفاوت نرخ ارز و تغییرات فزاینده آن طی یک دهه گذشته سبب شده است که گرایش به سرمایه‌گذاری در داراییها افزایش یابد و موسسات و شرکتهایی با حجم داراییهای بالا پدیدار شوند و نقدینگی موسسات اقتصادی جذب داراییهای ثابت شد.

سرچشمه چنین رفتاری در موسسات اقتصادی این بود که نرخ ارز به‌طور فزاینده‌ای روبه افزایش رود و مدیران این موسسات همواره با افزایش ارزش داراییهای (ثروت) موسسه روبه‌رو بودند و بر شتاب آنان بر سرمایه‌گذاری در داراییها می‌افزود و این در حالی بود که از سوی دیگر از قدرت خرید جامعه با همان آهنگ کاسته می‌شد. نتیجه آنکه تعدادی از موسسات و شرکتهای با سرمایه کلان پدید آمد و در دوره‌ای از بازده مناسب برخوردار شدند، که به‌طور عمده حاصل تفاوت ارزش داراییها و موجودیهای این موسسات بود. این سود حسابداری بود و ارزش افزوده اقتصادی نبود. به‌همین دلیل سرمایه‌گذاری مجدد و توسعه بنگاه را امکان‌پذیر نمی‌ساخت. در نتیجه جریانی از تبدیل به نقد شدن داراییها و خروج منابع نقدینگی چه به‌صورت افزایش هزینه‌های مالی و جاری و یا تقسیم سود نقدی در این موسسات شکل گرفت و آنها را با کمبود نقدینگی روبه‌رو ساخت و این در حالی بود که هزینه‌های ثابت در این موسسات افزایش چشمگیری یافته بود. افزون بر این دارای تعداد بسیاری نیروی انسانی شده بودند. در حالی که رشد فعالیتهای احتمالاً به‌ویژه در برخی رشته‌ها روبه کاهش یا رکود گذاشته بود. در این میان نقش مالیات به‌عنوان تنها راه چاره تامین منابع مالی دولت جهت اجرای طرحهای ملی - عمرانی به‌عنوان اراکه گردش‌ساز و کار اقتصاد کشور اهمیتی خاص و اولویت اساسی یافت. نهادهای اجتماعی مثل سایر پدیده‌های

جدول شماره یک - وصولی مالیاتهای مستقیم کل کشور به تفکیک منابع

ارقام به هزار ریال

منابع مالیاتهای مستقیم	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	ششماهه ۷۸
بند اول (مالیات بر شرکتها)	۵,۳۷۸,۲۶۶,۱۰۵	۶,۸۵۷,۸۳۱,۷۷۰	۷,۹۲۳,۶۳۱,۵۹۸	۵,۰۵۳,۳۵۶,۳۱۲
مالیات اشخاص حقوقی دولتی	۲,۲۰۳,۸۳۶,۶۹۲	۲,۱۶۷,۲۲۰,۳۹۳	۳,۸۲۹,۳۸۰,۳۷۱	۲,۳۲۶,۸۵۱,۶۹۲
مالیات عملکرد مراکز تهیه و توزیع کالا	۲۳,۳۳۱,۳۸۹	۲۹,۵۰۰,۰۰۰		۱۳,۷۳۶,۷۳۳
مالیات اشخاص حقوقی غیردولتی	۲۰,۳۹,۹۹۸,۰۲۲	۲,۶۶۱,۱۱۱,۲۷۶	۳,۰۹۳,۱۶۱,۱۲۷	۲,۶۱۰,۷۶۷,۹۳۷
بند دوم (مالیات بر درآمد)	۲,۹۹۳,۶۷۳,۳۷۳	۳,۳۸۳,۶۱۶,۰۲۵	۳,۸۹۷,۰۸۷,۰۰۸	۲,۶۸۷,۳۷۳,۷۰۷
مالیات حقوق	۱,۵۸۶,۰۳۸,۰۹۳	۱,۶۱۶,۱۹۳,۳۲۷	۱,۶۹۸,۳۵۲,۵۸۷	۱,۱۹۳,۲۶۵,۶۷۲
مالیات مشاغل	۱,۲۰۳,۷۶۰,۶۵۳	۱,۵۸۸,۲۹۷,۶۲۶	۱,۸۰۳,۱۰۳,۶۹۸	۱,۲۲۳,۹۹۷,۰۷۵
مالیات مستغلات	۱۹۷,۱۱۷,۸۷۶	۲۷۲,۱۲۰,۰۹۲	۳۵۲,۶۰۲,۳۸۲	۲۱۳,۰۱۶,۱۲۷
مالیاتهای متفرقه درآمد	۶,۷۳۷,۸۵۱	۸,۰۰۴,۸۳۸	۴۲,۹۲۷,۳۳۱	۵۵,۰۹۳,۸۲۳
بند سوم (مالیات بر ثروت)	۵۹۸,۵۷۶,۸۳۲	۷۱۰,۵۳۸,۰۳۷	۸۵۵,۵۶۲,۷۹۲	۵۲۲,۷۱۰,۲۵۷
مالیات اتفاقی	۳,۸۵۷,۶۲۶	۲,۹۹۱,۰۹۵	۲,۵۲۱,۱۶۸	۱,۶۱۸,۳۵۵
مالیات بر ارث	۸۱,۰۳۳,۱۴۸	۱۰۸,۹۲۳,۸۷۲	۱۳۰,۷۰۱,۱۶۳	۷۹,۶۹۳,۶۲۲
مالیات نقل و انتقالات (حق تمیر)	۶۳۳,۲۵۸	۳۲۹,۳۲۳	۳۶۶,۳۶۵	۲۳۳,۳۹۹
سایر مالیات نقل و انتقالات و سرقتی	۲۰۳,۹۷۹,۳۷۲	۲۵۲,۱۲۰,۳۳۳	۳۳۰,۳۳۷,۱۲۷	۲۶۱,۷۹۳,۸۸۷
مالیات اراضی بایر	۵,۵۸۰,۵۱۱	۶,۶۸۱,۷۱۷	۹,۱۵۸,۷۸۰	۶,۰۳۲,۸۲۵
مالیات تعاون ملی برای بازسازی	۲,۵۲۱,۳۲۹	۳,۲۳۵,۳۱۵	۱,۳۸۳,۲۵۳	۶۷۹,۰۸۵
مالیات سالانه املاک	۲,۲۲۷,۶۳۷	۷,۱۱۹,۷۲۲	۸,۰۲۸,۷۰۱	۶,۲۶۰,۸۶۶
مالیات مستغلات مسکونی خالی	۱,۶۵۲,۱۲۲	۱,۹۱۳,۳۱۲	۵,۱۳۷,۲۶۳	۲,۵۱۰,۶۷۵
حق تمیر، چکه، برات و...	۱۸۵,۰۶۱,۷۱۱	۲۲۶,۹۲۱,۱۴۴	۲۵۸,۰۱۷,۹۶۰	۱۶۲,۸۷۶,۳۳۳
جمع کل	۸,۹۷۰,۵۱۷,۴۲۲	۱۱,۰۵۲,۹۹۵,۸۴۲	۱۲,۶۷۶,۲۹۱,۳۸۹	۸,۲۶۲,۳۰۰,۱۷۶

منبع: نقل از مجله مالیات شماره ۲۶ - پائیز ۱۳۷۸

تصویر وصول مالیاتهای مستقیم کل کشور به تفکیک منابع طی سنوات ۷۷-۱۳۷۵ را نمایش می‌دهد.

جایگاه حسابداری در قانون مالیاتهای مستقیم

نخستین قانون مالیات بر درآمد به نام قانون مالیات بر هایدات در سال ۱۳۱۲ وضع شد و در آن از پیلان و حسابهای نفع و ضرر شرکتها انتفاعی صحبت می‌شود و به این ترتیب بین حسابداری و مالیات رابطه قانونی مشخصی برقرار می‌شود. باین حال قانون مزبور تصریح می‌کند (تیسره ماده ۱۴) که تفتیش در دفاتر، اوراق و محاسبات تجاری و شخصی برای تعیین مالیات اکیداً ممنوع است. این قانون در طول سالهای ۱۷-۱۳۱۲ چندین بار اصلاح شد. در ارج اشغال ایران و در دوره‌ای که دکتر میلسپو (DR. MILSPOO)، مستشار آمریکایی، رئیس کل دارایی بود، قانون مالیات بر درآمدی به

انتباس از قانون مالیاتی آمریکا وضع شد که مجموع درآمد اشخاص حقیقی و حقوقی را در تمام منابع و پس از کسر انواع بخشودگیها و معافیتها، مشمول مالیات می‌ساخت. مهمترین جنبه غیرعملی این قانون، تنظیم و تسلیم اظهارنامه مجموع درآمد براساس مدارک و اسناد حسابداری به وسیله مودیان و ترخهای تصاعدی تا ۷۰ درصد بود. این قانون در عمل هیچگاه به اجرا در نیامد و در سال ۱۳۲۴ لغو شد و نظام مالیاتی به قانون سال ۱۳۱۷ بازگشت. در سال ۱۳۲۶ اصلاحیه‌ای در مورد قانون مالیاتهای سال ۱۳۱۷ وضع شد که به موجب ماده ۳۳ آن هر موقع که انجمن محاسبان قسم خورده در کشور تشکیل شود، وزارت دارایی مکلف است نتیجه رسیدگی محاسبان قسم خورده را در مورد حساب یا ترازنامه هر بازرگان یا شرکت بپذیرد... و به این ترتیب مسئله حسابداری حرفه‌ای در قوانین جا باز کرد.

در سال ۱۳۲۸ قانون مالیات بر درآمد جامعی تصویب شد که به موجب آن از درآمد مشمول این قانون مالیات بر درآمد دریافت می‌شد و در مورد شرکتها، ماده ۷ همین قانون مقرر می‌داشت که شرکتها مشمول مالیات موظف بودند تا پایان تیرماه هر سال ترازنامه و حساب سود و زیان سال پیش خود را... به محل دارایی محل تسلیم دارند و به موجب ماده ۲۱، ادارات دارایی مجاز بودند برای رسیدگی به صحت میزان مالیات به کلیه دفاتر و اسناد مودیان مراجعه و رسیدگی کنند و تمام اطلاعات مورد نیاز را بخواهند. به موجب ماده ۲۹، سامورین ادارات دارایی موظف بودند اطلاعات مربوط به موضوع کسب و تجارت و دارایی مشمولیت این مالیاتها را که در نتیجه رسیدگی به دست می‌آورند محرمانه تلقی کرده و از افشای آن خودداری کنند. قانون مزبور به مسئله استفاده از خدمات حسابداران حرفه‌ای تاکیدی به جا و منطقی

مابه‌التفاوت نرخ ارز ظرف یک دهه گذشته سبب شده است که گرایش به سرمایه‌گذاری در داراییها افزایش یابد و نقدینگی موسسات اقتصادی جذب داراییهای ثابت شود.

دولتها در جهان سوم هزینه‌های خود را از راه کسر بودجه، استرفانی از شبکه بانکی و چاپ اسکناس بدون پشتوانه تأمین می‌کنند و چون این روش تأمین مالی ساده‌تر است لذا به اخذ مالیات توجهی نمی‌شود.

رکود تورمی حاکم بر اقتصاد ایران در سالیهای اخیر از یک سو حاصل کاهش قدرت خرید مردم و از سوی دیگر معضول تداوم تورمی است که در اقتصاد جریان دارد.

داشت و به موجب ماده ۲۰ مقرر می‌دارد «در هر موقعی که انجمن محاسبان و کارشناسان قسم خورده رسیدگی به حساب یا ترازنامه هر بازرگان یا شرکت را بپذیرد در این صورت برای تشخیص مالیات مودی دیگر حاجت رسیدگی به دفاتر نخواهد بوده. این قانون تا سال ۱۳۳۵ چندبار اصلاح شد. قانون جامع مالیات بردرآمد سال ۱۳۳۵ بازرگانان و شرکتهای و شخصیتهای حقوقی را مکلف می‌کرد به همراه ترازنامه و حساب سود و زیان اظهارنامه مالیاتی تسلیم کنند و دفاتر قانونی نگهداری را برای رسیدگی به مامورین تشخیص ارائه کنند (مواد ۸ و ۱۶). در این قانون برای نخستین بار مقررات متفرقه و مختلفی هم درباره حسابها وضع شد. در این قانون، مانند قانون قبلی پیشین هم به تشکیل انجمن محاسبان و کارشناسان حساب توجه شده و در قسمت آخر ماده ۳۳ مقرر گشته بود که آیین‌نامه طرزکار و انتخاب کارشناسان و محاسبان قسم خورده وزارت دارایی را تهیه و به اجرا خواهد گذاشت.

قانون مالیاتهای مستقیم سال ۱۳۴۵ که براساس الگوی قانون سال ۱۳۳۵ با تغییراتی وسیع تصویب شد، از جمله تسلیم اظهارنامه به‌همراه ترازنامه و حساب سود و زیان متکی به دفاتر قانونی برای صاحبان مشاغل و شرکتهای و شخصیتهای حقوقی را مقرر می‌دارد (مواد ۶۰ و ۸۲) و برای نخستین بار علاوه بر دفاتر قانونی موضوع قانون تجارت، استفاده از دفاتر دیگر و فرمها و وسایلی حساب نیز مجاز شناخته می‌شود. در ماده ۵۸ این قانون، بدون هیچ‌گونه توجه به محتوای قانون تجارت مقرر می‌شود «مقررات مربوط به نحوه تنظیم و تحریر و نگهداری دفاتر و حساب و اسناد و مدارک به

موجب آیین‌نامه‌هایی که به تصویب وزیر دارایی خواهد رسید تعیین خواهد شد. آیین‌نامه موضوع این ماده نیز بعداً تصویب و بدون هیچ‌گونه هماهنگی با وزارت دادگستری به‌اجرا گذاشته شد.

قانون مالیاتهای مستقیم ۱۳۴۵ مسئله حسابداری حرفه‌ای را که در هر حال مسئله‌ای عام است به دامنه یک قانون خاص می‌کشد و به موجب ماده ۲۷۵ مقرر می‌دارد: «به منظور تعیین و معرفی حسابداران رسمی و فراهم آوردن وسایلی لازم برای بالا بردن سطح معلومات حسابداری در کشور و تهیه زمینه مساعد برای تدوین موازین فنی و اخلاقی حرفه حسابداری و نظارت در اجرای موازین مزبور قانون حسابداران رسمی طبق مقررات این فصل تشکیل می‌شود. در مواد بعدی (۲۷۶-۲۸۱) نیز مقرراتی در مورد گزارش حسابدار رسمی، اختلاف نظر ممیز و حسابدار رسمی تنظیم شد و سرانجام در سال ۱۳۵۸ به موجب مصوبه شورای انقلاب منحل شد.

در قانون مالیاتهای مستقیم سال ۱۳۴۵ مقرراتی نیز درباره جنبه‌هایی از حسابداری فعالیتهای مختلف وجود دارد. از جمله و مهمترین آنها هزینه‌های پذیرفتنی و استهلاکات را می‌توان نام برد.

آخرین قانون مالیاتی، قانون سال ۱۳۶۶ است که در زمینه حسابداری تفاوت چشمگیری با قانون ۱۳۴۵ و اصلاحیه‌های پس از آن ندارد. اما برخی از مشکلات اجرایی قانون ۱۳۴۵ از لحاظ حسابداری در آن برطرف شده است اما به‌لحاظ نادیده انگاشتن واقعیتهای عینی اقتصاد کشور قانون مالیاتهای مصوب ۶۶/۱۲/۳ و اصلاحیه مورخ ۱۳۷۱/۲/۷ از زمان تصویب

تاکنون به مانعی جدی در جهت اجرای برنامه‌های توسعه تبدیل شده است.

در سال ۱۳۷۲ قانون تشکیل سازمان حسابرسی و سپس ماده واحده قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذی‌صلاح به‌عنوان حسابدار رسمی به تصویب رسید که متعاقباً تصویب‌نامه شماره ۹۰۴۵/ت/۱۳۸۷۵۰ مورخ ۷۴/۷/۲۳ هیئت وزیران در ارتباط با آیین‌نامه تعیین صلاحیت حسابداران رسمی و چگونگی انتخاب آنان اصلاح شد که پیامد این مصوبات جدید منجر به درج عنوان حسابدار رسمی در لایحه بازنگری قانون مالیاتهای مستقیم و درج بخشنامه سال ۱۳۷۸ وزارت امور اقتصادی و دارایی مبنی بر لازم‌الاجرا بودن استانداردهای حسابداری و حسابرسی از ۱۳۷۸/۱/۱ بوده است.

آنچه از لایه‌های مصوبات پیشگفته نمایان است توجه خاص دولت به حسابداری و حسابرسی می‌باشد که با توجه به ارتباط تنگاتنگ موضوع حسابداری و مالیات این امر نوید اهمیت حسابداری و اطلاع‌رسانی در بخش حسابداری را نشان می‌دهد. شایان توجه آنکه به دلیل نوین بودن استانداردها و قدمت مالیاتهای مستقیم، تعارضات اساسی فی‌مابین قانون مالیاتهای مستقیم با استانداردهای مذکور باعث گردیده مشکلات عدیده‌ای برای مودیان مالیاتی فراهم گردد برطرف شده است، که در این مورد می‌توان از رفع برخی از اشکالات آیین‌نامه اجرایی تحریر دفاتر و هزینه‌های قابل قبول در ماده ۱۴۸ قانون مالیاتها نام برد. جدول شماره ۲ حداقل موارد تعارض قانون مالیاتهای مستقیم و استانداردهای حسابداری (نشریه شماره ۱۲۲) سازمان حسابرسی را نمایش می‌دهد.

جدول شماره ۲ - حداقل موارد تعارض قانون مالیاتهای مستقیم با استانداردهای حسابداری

ردیف	شماره استاندارد	شماره صفحه	آدرس مورد	نام مورد
۱	۲	۹۱	بند ح - قسمت ۶	سود تحقق نیافته حاصل از تغییر ارزش سایر داراییهای جاری
۲	۲	۹۲-۹۱	بندهای ۷-۱۰-۱۱	شناخت درآمد - مبادله کالای مشابه - امکان جریان تفکیک بهای فروش و خدمات بعدی - انتقال مخاطرات عمده مالکیت - حق فسخ معامله و خدمات نصب بعد از فروش
۳	۲	۹۲ تا ۹۷	بندهای ۱۷-۱۹-۲۲	احتمال جریان منافع اقتصادی، روش خط مستقیم شناسایی درآمد، شناسایی درآمد تا میزان هزینه‌های قابل انتظار - کسر سود خالص قبل از تملک از بهای سرمایه‌گذاریها
۴	۳	۱۱۶	بند ۵	ذخیره بدهیهای احتمالی
۵	۵	۱۲۶	بند ۶	رویدادهای تعدیلی بعد از تاریخ ترازنامه ضمیمه بیانیه ۵ - صفحات ۱۲۱ و ۱۲۲ مطالعه شود.
۶	۶	۱۲۸ و ۱۲۷	بند ۵ - ۳۰	سود زیان جامع - مازاد تحقق نیافته تجدید ارزیابی دارایی
۷	۶	۱۲۳	بند ۲۱	مالیات اقلام غیر مترقبه (تفاوت دو روش)
۸	۷	۱۶۱ و ۱۶۵	بند ۲ و بند ۲۰	هزینه تحقیقات و توسعه به مجرد وقوع به سود و زیان
۹	۸	۱۸۶	بند ۵۵	کاهش ارزش موجودی مواد
۱۰	۹	۲۰۲	بند ۳۲ و ۳۳	زیان قابل پیش‌بینی ترانزاکشنهای بیمه‌انگاری بلندمدت
۱۱	۱۱	۲۲۷ و ۲۵۲	بند ۱۸ و ۱۷	معاوضه داراییها
۱۲	۱۱	۲۳۰	بند ۲۵	تجدید ارزیابی
۱۳	۱۱	۲۳۰ و ۲۲۸	بند ۲۹-۵۸	تغییر روش استهلاک داراییهای ثابت - تجدید ارزیابی
۱۴	۱۲	۲۸۴	بند ۹	روش اختیاری تامین مالی مخارج در بهای تمام شده داراییها
۱۵	۱۵	۳۲۱	بند ۵۷ و ۵۴	کاهش ارزش دائمی سرمایه‌گذاریها (کوتاهمدت و بلندمدت)
۱۶	۱۶	۳۳۴ و ۳۳۵	بند ۱۵ و ۲۲	رویه مجاز جایگزین - افت شدید بهای ارز - زیان تسعیر ارز
۱۷	۱۶	۳۳۹	بند ۲۳	تسعیر درآمد و هزینه
۱۸	۱۷	۳۶۰ و ۳۶۳	بند ۲۳ و ۳۳	معاوضه دارایی نامشهود بدون لحاظ سود و زیان - استهلاک دارایی نامشهود
۱۹	۱۸	۳۹۳	بند ۲۱	حسابداری صورتهای مالی تلفیقی

متأسفانه از اولین ادوار قانونگذاری در ایران، مسائل سیاسی و حاشیه‌ای پرده غیرقابل رویتی را بر تعقل‌گرایی و منافع ملی گسترانده، به طوری که عملاً بسیاری از قوانین و مقررات مصوب قابلیت اجرا نداشته و مسائل و مشکلات اجرایی آن قبلاً مورد توجه نبوده است. ابعاد مورد نظر در یک قانون مالیاتی به شرح زیر می‌باشند:

- وضع مالیات به عنوان تنها راه چاره ابقای نقش دولت؛
- تناسب مالیات با توانایی مودیان مالیاتی (عدالت مالیاتی)؛
- گرفتن هرگونه وجه از مردم به موجب قانون؛
- وصول ساده مالیات از راه خورد اظهاری مودیان؛
- با فرض پذیرش میانجی و مفروضات یادشده و

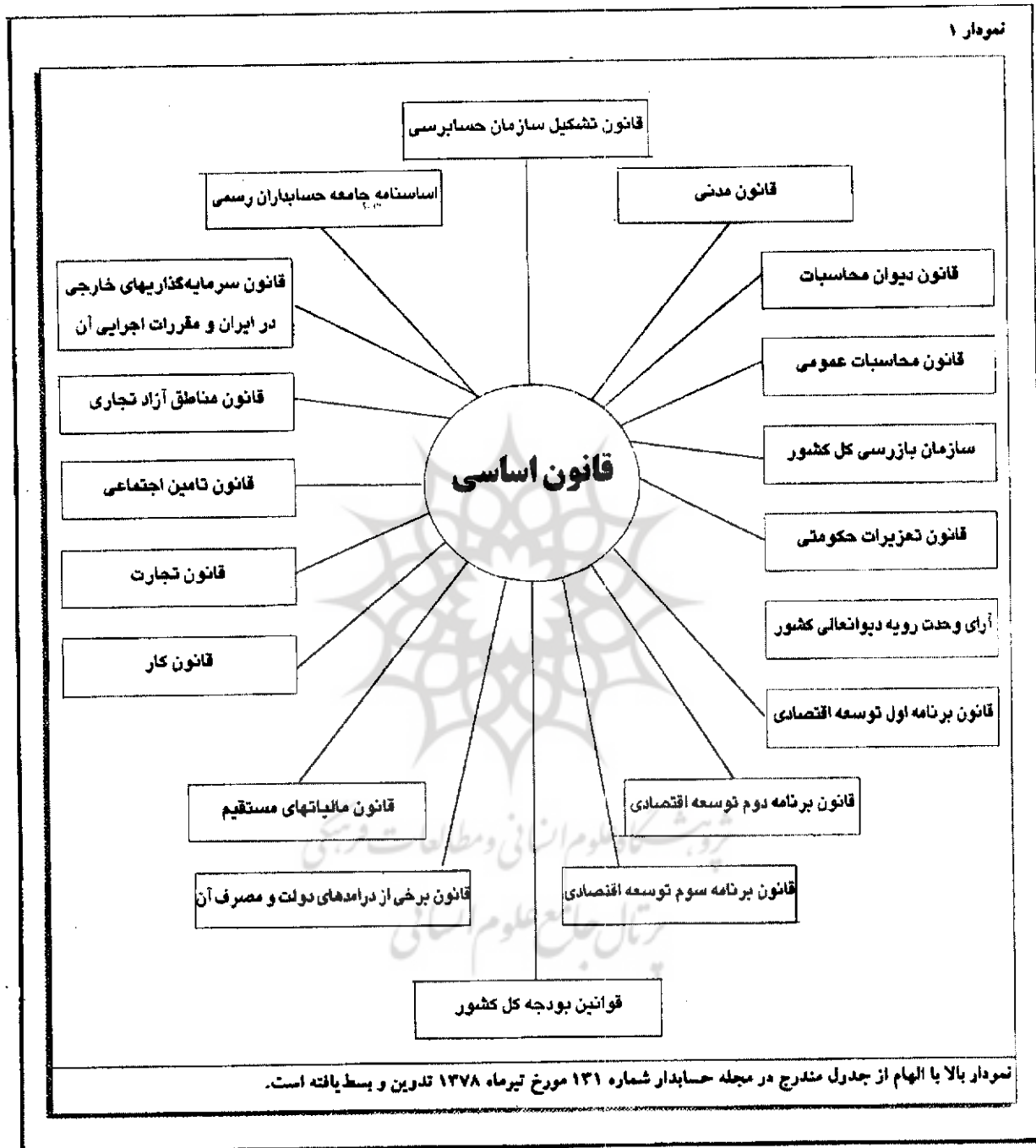
خشکیار و حش فضاهاست زیاده به سپاردها تومان درآمد دسترس دارند، اما فعالیتهای اقتصادی حاصل از تفکر و تملق و اختراع و صنعت مشمول نرخهای بالای مالیاتی هستند. افزون بر این موارد صدور بخشنامه‌های گوناگون و رنگارنگ دستگاه وصول مالیات می‌باشد که گاهی این بخشنامه‌ها خود نیز قانون نارسای کنونی را نقض می‌کنند که این موضوع به نوبه خود مشکلات کنونی قانونی را دوچندان می‌سازد.

مضافاً بر اینکه تعدد مراجع تاثیرگذار بر نظام مالی کشور عملاً کاربرد استانداردهای حسابداری را با مشکلات هدیده مواجه ساخته است، نمودار (۱) مراجع و قوانین موثر بر نظام مالی کشور را نشان می‌دهد.

کود تومی حاکم بر اقتصاد ایران در سالهای

در راستای دستیابی به هدفهای توسعه‌ای اقتصادی - اجتماعی که در شرایط کنونی حفظ اشتغال موجود و ایجاد اشتغال در مرحله دوم می‌باشد، قانون مالیاتها هدفی جز ایجاد بستر مناسب سرمایه‌گذاری به عنوان تنها راه حفظ و ایجاد اشتغال نخواهد داشت. متأسفانه در قانون مالیاتهای کنونی این دو هدف مشابه قاره گمشده به شمار می‌روند. از یک طرف دهها منابع عظیم اقتصادی مانند نهادها و موسسات غیرانتفاعی که رسماً و عملاً نمائینهای کلان اقتصادی کشور را در سیطره خود دارند، از پرداخت مالیات به انجمن‌های مختلف طفره می‌روند و از طرف دیگر تولیدکنندگان کار و کالا یعنی مالکان واقعی جامعه زیر فشار مضاهف مالیات و هوارضی قرار گرفته‌اند. اقتصادی زیرزمینی و پنهان در رشته‌های خرید و فروش ارز، طلا، آهن، روده و

نمودار ۱



نشدن آن اقتصاد را با بحرانی روبه‌رو خواهد ساخت که مدیریت آن دشوار یا ناممکن است. علائمی را که شرایط کنونی اقتصاد کشور آشکار می‌سازد، بیانگر آن است که چنین بحرانی

سرمایه‌گذاری‌ها و در نتیجه کاهش درآمد مالیاتی دولت، توقف طرحهای عمرانی، غیراقتصادی شدن فعالیتهای تولیدی، افزایش بیکاری و مجدداً رکود عمیق‌تر و تورم شدیدتر، که در صورت مهار

اخیر، از یک سو حاصل کاهش قدرت خرید مردم و از سوی دیگر محصول تداوم تورمی است که در اقتصاد جریان دارد، که پیامدهای این وضع عبارت است از کاهش نرخ بسازده

تاروپود اقتصاد کشور را فراگرفته و گریز از آن، جز از راه رشد سرمایه‌گذاری امکان‌پذیر نخواهد بود. ابعاد آثار و پیامدهای کمبود سرمایه در اقتصاد چنان گسترده و بحران‌زا است که توصیف آن به بررسی‌های گسترده و پیچیده و وقت‌گیر نیاز ندارند. تنها برای نمونه اگر آمار بیکاری را که مسئولان بین دو میلیون تا چهار میلیون نفر ذکر می‌کنند در نظر بگیریم، و اگر سه میلیون بیکار را به تسامح رقم دقیقی برای تعداد بیکاران بپذیریم و طبق استانداردهای موجود، هزینه ارزی ایجاد اشتغال برای هر نفر بیکار در کشورهایمانند کشور ما را به ده هزار دلار بپذیریم، در همین زمان فقط ۳۰ میلیارد دلار برای ایجاد اشتغال برای بیکاران موجود نیاز داریم، همچنین با توجه به آمار ۸۰۰ هزار نفر بیکاری که گفته می‌شود هر سال به جمع بیکاران افزوده می‌شود، برای ایجاد اشتغال برای این تعداد نیز، بر اساس محاسبات پیش گفته به هشت میلیارد دلار در سال نیاز داریم و اینها تنها هزینه ارزی اشتغال است در حالی که ناگفته پنداست منابع ریالی مورد نیاز اشتغال سه میلیون بیکار، یعنی تاسیس سه هزار کارخانه و هر کارخانه با ظرفیت اشتغال هزار نفر چه میزان باید باشد. روشن است که نیاز به سرمایه در کشور چه ابعاد نجومی دارد. به هر حال ما از هر سو که به مشکلات و دشواریهای اقتصاد نگاه کنیم، و هرچه بیشتر این موضوع را بشکافیم، نیاز به سرمایه بیشتر و ضرورت حمایت از سرمایه‌گذاری آشکارتر می‌شود. البته نباید نادیده گرفت که تشکیل سرمایه در هر کشوری به عوامل متعدد و به نسبت بی‌شماری وابسته است، در این زمینه می‌توان به حاکمیت سیاسی تا فرهنگ عمومی جامعه و ترکیب جمعیت یا ویژگیهای مردم شناختی جامعه و بسیاری عوامل دیگر و البته به نظام مالیات‌گیری هر کشور اشاره کرد. متناهی‌چنانچه وابستگی آن با نظام مالیاتی، مستقیم و چهره به چهره است. آشکار است طرح موضوع ارتباط رشد سرمایه‌گذاری و مالیات مطلقاً به این مفهوم نیست که مالیات در نفس خود، بازدارنده رشد سرمایه‌گذاری است. قراتر از این حتی ما بر آنیم که چنانچه درآمدهای مالیاتی دولت به اندازه نباشد، منابع مورد نیاز احداث راه، جاده و بندر و شبکه‌های مخابراتی و مانند اینها که از محل درآمدهای مالیاتی تامین می‌شود، کاهش می‌یابد و تشکیل سرمایه و فعالیتهای سرمایه‌گذاری را محدود خواهد ساخت، به این دلیل موضوع

مورد توجه ما در این بحث که پیشنهادهای ما نیز بر آن استوار است، برقراری تعادل مورد نیاز بین بازده معقول سرمایه‌گذاری و برخورداری از انگیزه منطقی برای سرمایه‌گذاری و مالیات است. گرفتن مالیات به اندازه‌ای که سرمایه‌گذاری خصوصی را با محدودیت و کاهش روبه‌رو سازد، از سوی دیگر نیز توجیه‌پذیر نیست و نسبت به کوشش دولت در راستای کاهش فعالیت‌های اعمال تصدی، نقض غرض به شمار می‌آید و اگر سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی اقتصاد، اقتصادی نباشد، از میزان تصدی دولت کاسته نخواهد شد. به همین دلیل پیشنهادهای زیر به عنوان مبانی و مفروضات اولیه یک بازنگری اساسی در قانون مالیات‌های مستقیم کنونی به شمار می‌روند.

۱ - قانون مالیات‌های مستقیم به نحوی تدوین شود که فقط گرفتن مالیات بیشتر را در نظر قرار ندهد، بلکه هدفها و سیاست‌های اصلی توزیع درآمد و کم کردن هر چه بیشتر فاصله طبقاتی، را ممکن سازد، گرایش سرمایه‌ها به سمت تولید و آن بخش‌هایی از اقتصاد که با سیاست‌های کلان دولت هماهنگ باشد، سوق داده شود و سادگی درک و اجرای قانون به ویژه در مورد روشهای اجرایی، در نظر گرفتن سازوکارهایی جهت خوداصلاحی در خصوص مواردی که اشکالاتی روشها مشاهده می‌شود و... را در نظر گیرد.

۲ - الزام شرکتها به تعیین حسابرس مستقل و قبول مالیات تشخیصی حسابرسان مستقل.

۳ - الزام اشخاص حقیقی و صاحبان مشاغل به تکمیل اظهارنامه مالیاتی و استفاده از مشاوران مالی و مالیاتی با داشتن حداقل سه سال سابقه کار حسابداری و حسابرسی.

۴ - قانون مالیات‌های مستقیم به نحوی تهیه شود که با سایر قوانین، به ویژه قانون کار و تجارت در تضاد نبوده و با آنها هماهنگ باشد (به ویژه در زمینه مالیات اشخاص حقوقی و سهم سود شرکا یا سهامداران، با توجه به اینکه حقوق صاحبان سهام باید به طور یکنواخت رعایت شود).

۵ - در مواردی قانون مالیات‌های مستقیم با اصول استانداردهای حسابداری در تضاد کامل می‌باشد که این مورد، اجرای استانداردهای حسابداری دچار مشکل می‌گردد و گاهی دسترسی به اطلاعاتی را که ممکن است جهت تصمیم‌گیری‌های خرد یا کلان لازم باشد، به دلیل تحت‌الشماع فرارگرفتن از جنبه‌های مالیاتی، غیرممکن می‌سازد. از این رو الزام حوزة‌های

مالیاتی به پذیرش استانداردهای مذکور ضروری به نظر می‌رسد.

۶ - دولت و مجلس در اصلاح هر یک از مفاد قانون مالیات‌های مستقیم نظر رسمی و کتبی سازمان حسابرسی و انجمن حسابداران خبره ایران و سایر مراجع که ذی‌نفع این قضیه هستند را دریافت کند تا بتواند در اجرای قانون، عدالت مالیاتی را رعایت نماید.

۷ - تجدیدنظر درمبانی نقدی حسابداری بخش دولتی که باعث شفاف نبودن آمار اقتصاد کلان کشور می‌شود.

۸ - توسعه فرهنگ حسابداری به عنوان زیربنای محاسبات درست مالی و انعکاس درست روی داده‌های مالی - اقتصادی از طریق الزام کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی به رعایت استانداردهای حسابداری.

۹ - قوانین جدید به نحوی تدوین شود که مانند قوانین فعلی تفسیرپذیر نباشد و تفسیرپذیر بودن آن هر چه بیشتر محدود شده و کل این قوانین صراحت لازم را داشته باشد و هر چه کمتر نیاز به صدور بخشنامه‌ها و آراء در زمینه آن باشد. علاوه

بر این روشهای اطلاع‌رسانی لازم در خصوص مقررات و بخشنامه‌ها و آراء صادر شده پیش‌بینی شود که تمام اشخاص و مودیان به اطلاعات لازم در این خصوص، به موقع دسترسی پیدا کنند.

قانون باید روشن، ساده و صریح باشد. به طور مشخص سرنوشت ماده ۱۳۲ و ۱۳۸ قانون مالیات‌های مصوب ۶۶/۱۲/۳ در خور توجه می‌باشد که این دو ماده در اصلاحیه ۷۱/۲/۷

مجدداً اصلاح اما ابهامات موجود در مفاد این دو ماده از همان سال با بخشنامه و رای شورای عالی

ناکنون حداقل چهار بار تفسیر و تخییر پیدا کرده‌اند. سرانجام مودیان مالیاتی دست به دامان دیوان اداری شدند و دیوان اداری در سال ۱۳۷۵

تفسیر متعدد وزارت امور اقتصادی و دارایی و بخشنامه‌های مرتبط با ماده (۱۳۲) را باطل اعلام کرد. تغییرات مکرر مفاد مواد قانون مالیات‌ها که حداقل باید در طول یک برنامه اقتصادی به

منظور تعیین سیاست‌های سرمایه‌گذاری روشن باشد و صدور بخشنامه‌ها و آراء متعدد مالیاتی از طرف دستگاه وصول مالیات (به عنوان مفسر قانون مالیات‌ها) نه تنها ثبات و امنیت سرمایه را با مخاطره مواجه می‌سازد بلکه عملاً تداخل وظایف قوه اجرائیه و قوه مقننه می‌باشد. جدول

شماره (۳) تغییرات مکرر بخشنامه‌ای ماده ۱۳۲ را نمایش می‌دهد.

جدول تغییرات مکرر مواد اساسی قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ تاکنون

شماره ماده	تاریخ تصویب اولیه	تاریخ اصلاحیه	تاریخ تغییرات بعدی				
			بخشنامه	بخشنامه	بخشنامه	بخشنامه	بخشنامه
۱۳۲	۶۶/۱۲/۳	۷۱/۲/۷	۷۲/۵/۴	۷۳/۱/۲۲	۷۳/۲/۱۱	۷۴/۲/۲۴	
۱۳۸	۶۶/۱۲/۳	۷۱/۲/۷	۷۱/۲/۱۶	۷۰/۵/۱۲	بودجه	بودجه	
۱۳۹	۶۶/۱۲/۳	۷۱/۲/۷	۷۲/۴/۲۸	۷۱/۱۲/۲۲	سال ۷۲	سالهای ۷۳ و ۷۶.۷۵ و ۷۷	
۱۰۵	۶۶/۱۲/۳	۷۱/۲/۷					
کداقتصادی و صورتحساب نمونه	۱۳۷۲	بهمن ۷۳	۷۵/۹/۸	۷۵/۲/۲۵	۷۵/۱۰/۲۳		
قانون مناطق آزاد نقل و انتقال سهام بیرون از بورس	۷۲/۶/۷	۷۳/۱۲/۲۶	۷۶/۶/۶	۷۶/۵/۲۲	۷۶/۷/۱۷		
	۶۸/۱/۲۹	۷۵/۶/۲۸	۷۶/۴/۸				

۱۰ - پیش‌بینی مقرراتی که حضور حداقل یک نفر حسابدار رسمی پانامی‌نگان سازمان حسابرسی یا انجمن حسابداران خبره ایران در هیئتهای حل اختلاف مالیاتی الزامی نماید تا از این طریق حقوق مودیان مالیاتی به لحاظ رعایت استانداردهای حسابداری حفظ گردد.

۱۱ - نگرش اجرایی بودن قانون که در قوانین فعلی مدنظر نبوده است، مثلاً در مورد مالیاتهای علی‌الحساب کسر شده در منبع از مودیان گاهی توسط شخص پرداخت کننده، به وزارت دارایی پرداخت نمی‌شود و یا با تاخیر زمانی پرداخت می‌شود که در مورد اول کلاً مورد قبول ممیزان نسرار نمی‌گیرد و در مورد دوم نیز معمولاً همین‌گونه است. مثلاً مالیاتی که از حق الزحمه سال ۱۳۷۵ یک شرکت پیمانکاری کسر می‌شود، بعضاً در سال ۱۳۷۷ به وزارت دارایی پرداخت می‌شود و کلاً این پرداخت علی‌الحساب مالیات، توسط شرکت مذکور غیر قابل استفاده می‌شود (تأخیر زمانی و همچنین اینکه اضافه پرداختی مالیات سنوات قبل در این موارد مورد قبول ممیزان وزارت دارایی نمی‌باشد) و یا اینکه در مواردی که فروش خدمات یا محصول نسبه می‌باشد، فروشنده خدمات یا محصول مکلف می‌شود که ۴ درصد مالیات مصرف را از خریدار دریافت نماید (مانند موسسات حسابرسی)، در صورتی که فروشنده معمولاً موفق به دریافت

مطالبات خود نمی‌شود، حال چگونه ۲ درصد برای وزارت امور اقتصادی و دارایی دریافت کند. مضافاً در این زمینه با توجه به استفاده از کد اقتصادی و امکان تعیین درآمد هر شخص در سال مالی، می‌توان کلاً دریافت علی‌الحساب مالیاتی را حذف نمود.

۱۲ - پیش‌بینی جدولهای استهلاکات مختلف و پذیرفتن تفاوت‌های حاصله در موارد که شرکتها، از روشها و نرخهای دیگری استفاده می‌کنند، موجب می‌شود که شرکتها معمولاً برآوردهای معقول از عمر داراییها را مدنظر قرار ندهند که پیشنهاد می‌شود شرکتها در استفاده یا عدم استفاده از روشها و نرخهای پیش‌بینی شده در حسابهای خود مختار بوده و تفاوت حاصل از استفاده از جدول مزبور را با برآوردهای خود، در سود و زیان ایزاری اعمال کنند (حتی در مواردی که هزینه‌های استهلاک طبق روشها و نرخهای اعمال مورد نظر شرکت، کمتر از مبلغ آن با استفاده از جدول باشد، شرکت مجاز به کسر تفاوت دو روش از درآمد مشمول مالیات خود باشند). در این زمینه به ویژه روش و نرخهای استهلاکات هزینه‌های پیش از بهره‌برداری و نیز استهلاکات زیان سنوات قبلی اشخاص نیز در قانون فعلی غیرمنطقی می‌باشد.

۱۳ - قشر مالیات گریز کشور که بازار سنتی و فروشندگان عمده و به‌طور عمده همان دلانان بزرگ و ادامه دهندگان راه بورروازی وابسته

هستند و به وسیله تلفن همراه حتی بدون جابه‌جایی کالا به میلیاردها تومان سود و رانت دسترسی دارند شناسایی و مالیات حق دولت از آنها وصول شود. در این ارتباط اجرای سازوکارهای گمرک و واحد خدمات مالیاتی وزارت امور اقتصادی و دارایی می‌تواند عامل موثری جهت دریافت مالیات از این افراد باشد.

۱۴ - معافیت مالیاتی بنیادها و نهادهای عمومی که با بهره‌برداری از نام نهادهای انقلابی به فعالیتهای مخمل اقتصادی مشغول هستند لغو شود تا زمینه و امکان رقابت واحدهای اقتصادی کشور فراهم شود، زیرا تا زمانی که شرکتها و واحدهای نورچشمی از رانت ارز و سایر رانتهای خاصی استفاده می‌کنند موضوع رقابت، استفاده بهینه و کارایی مفهومی ندارد.

به نظر می‌رسد در عصر فرانتکنولوژی و در آستانه هزاره سوم که مباحث حسابداری و حسابرسی کامپیوتری و تجارت الکترونیکی در دستور روز کشورهای پیشرفته قرار گرفته و با توجه به موضوع پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی ضرورت توجه جدی به حسابداری و مالیات در چارچوب منافع ملی و استانداردهای حسابداری ضرورت دو چندان یافته است که امید می‌رود با موج اصلاحات مورد نظر مردم در جسامه مدنی این موضوع در دستور کار اصلاح‌طلبان قرار گیرد. □